

رهزنی تشابه اسمی در رجال و تراجم نویسی شیعه، مطالعه موردی: حسن فرید

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

علی حسن بگی^۱

چکیده

۴۵

تشابه اسمی از آسیب‌هایی است که دانش رجال و تراجم‌نویسی، همیشه با آن روبرو بوده است. سید حسن فرید هزاوه‌ای در سال ۱۳۴۹ ش، پیش‌گویی آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی را درباره شیخ فضل الله نوری و آیت‌الله شیخ عبد‌الکریم حائری نقل کرد. در تاریخ اراک، حسن فرید نام و لقب دو نفر از شخصیت‌های علمی این شهر است. برخی از نویسندگان و عالمان رجال و تراجم این دو را خلط کرده و پیش‌گویی مذکور را به غیر ناقل اصلی نسبت داده‌اند. این نوشتار در صدد رفع اشتباه و انتساب گزارش به ناقل اصلی است. تا کنون نوشته‌ای در جداسازی این هم‌نامی یافته نشده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حسن فرید، نام و لقب یکی از مجتهدان و نام و لقب یکی از دبیران ریاضی است. همچنین ناقل پیش‌گویی، سید حسن فرید هزاوه‌ای، دبیر و معلم ریاضی است. در نتیجه انتساب این گزارش به آیت‌الله سیدحسن فرید محسنی اراکی صحیح نیست. مراجعه به منابع اصلی گزارش پیش‌گویی مذکور، امکان جداسازی و تمییز میان این دو شخصیت را فراهم کرده است.

کلید واژه‌ها:

تشابه اسمی، حسن فرید، شیخ عبدالکریم حائری، شیخ فضل‌الله نوری، ملافتحعلی سلطان‌آبادی.

۱. دانشیار گروه الهیات دانشگاه اراک. alihanabagi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۷

مقدمه

رجال و تراجم از دانش‌های مورد توجه عالمان مسلمان بوده است. این دو دانش، نخست ذیل دانش تاریخ قرار داشتند. سیره‌نگارانی چون ابن اسحاق، مدنی و واقدی که در سده دوم، به تدوین سیره‌النبی و المغازی مبادرت کردند، دانش رجال و تراجم را از دانش تاریخ تفکیک نکردند. پس از واقدی، شاگرد او، ابن سعد با تدوین الطبقات الکبری کوشید، علاوه بر شرح حال پیامبر ﷺ، به شرح احوال صحابه و تابعین نیز پردازد. او با تدوین این کتاب، تراجم‌نگاری یا بیوگرافی را پایه‌گذاری کرد. پس از ابن سعد، این دانش در کانون توجه عالمان مسلمان قرار گرفت. آنان در این زمینه، کارنامه درخشانی از خود ارائه کردند. نگارش آثار ذیل، شاهدهی بر این مدعاست: تاریخ بغداد (خطیب بغدادی، متوفای ۴۶۳)، طبقات الحنابله (ابن ابی یعلی، متوفای ۷۹۵)، القند فی ذکر علماء سمرقند (نسفی، متوفای ۵۳۷)، تاریخ مدینه دمشق (ابن عساکر، متوفای ۵۷۱)، صفوه الصفوه (ابن جوزی، متوفای ۵۹۷)، وفيات الاعیان (ابن خلکان، متوفای ۶۸۱)، الوافی بالوفیات (صفدی، متوفای ۷۶۴)، طبقات الشافعیه (سبکی، متوفای ۷۷۱)، ریاض العلماء (افندی، متوفای ۱۱۳۰)، امل الآمل فی علماء جبل عامل (حر عاملی، متوفای ۱۱۰۴)، طبقات الزیدیه (شهاری، متوفای ۱۱۵۲)، روضات الجنات (خوانساری، متوفای ۱۳۱۳)، تکمله امل الآمل (صدر، متوفای ۱۳۵۴)، قصص العلماء (تنکابنی، متوفای ۱۳۰۲)، نامه دانشوران (محمد مهدی عبدرب آبادی، میرزا ابوالفضل ساوجی، ملا عبدالوهاب قزوینی و میرزا حسن طالقانی به ترتیب، متوفای ۱۳۳۱ق، ۱۳۱۲ق، ۱۳۰۶ق)، اعیان الشیعه (محسن امین، متوفای ۱۳۷۱)، طبقات اعلام الشیعه (آقابزرگ تهرانی، متوفای ۱۳۴۸)، الاعلام (زرکلی، متوفای ۱۳۹۶)، مکارم الآثار (معلم حبیب آبادی، متوفای ۱۳۹۶)، الکنی و الالقاب (شیخ عباس قمی، متوفای ۱۳۵۹)، خاندان نوبختی (اقبال آشتیانی، متوفای ۱۳۳۴)، مستدرکات اعیان الشیعه (حسن امین، متوفای ۱۳۸۱ش). از سوی دیگر، رجال و تراجم‌نگاری نیز که در ذیل دانش تاریخ بود به آسیب‌های دانش تاریخ دچار گشت. تشابه اسمی یا اشتراک لفظی از آسیب‌هایی است که همواره دانش تاریخ، رجال و تراجم‌نگاری را با مشکل روبه‌رو کرده است. بی توجهی به این آسیب، سبب ارزیابی و تحلیل‌های ناصحیح از قبیل تناقض‌نمایی، انتساب نادرست اشخاص به یکی از مذاهب و اتهام ناروا به اشخاص^۱، در قلمرو تاریخ، رجال و تراجم‌نگاری شده است (حسن‌بگی، آسیب‌شناسی نقد و تحلیل تاریخ،

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۴۶

۱. نمونه‌های دقیق را می‌توان در عنوان بعدی: «پیامدهای تشابه اسمی و برخی از راه‌های تشخیص» پی گرفت.

۵۳-۵۵، ۱۳۳-۱۳۶). عالمان مسلمان، با استفاده از شیوه‌هایی چون مقایسه سال‌ها و طبقات استادان (مشایخ) و شاگردان، کوشیده‌اند شخصیت‌های هم نام را با هویت مستقل مشخص و شناسنامه جداگانه‌ای برای هر یک فراهم کنند. برخی از نویسندگان در پژوهش‌های تاریخی و تراجم‌نگاری به مشکل تشابه اسمی اشاره کرده‌اند. مقاله‌های «دشواری نامها در پژوهش‌های تاریخی» نوشته مصطفی صادقی (۱۳۸۲)، «نگاهی آسیب‌شناختی به تراجم نویسی اسلامی، بررسی موردی دو انگاری یک شخصیت» نوشته علی حسن بگی و عبدالله متولی (۱۳۹۹) و «رهزنی اشتراک لفظی» از علی حسن بگی (۱۳۹۵)، در این باره قابل یادآوری است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

حسن فرید یکی از نمونه‌ها و مصادیق تشابه اسمی است. نام و لقب مذکور، نام و لقب دو تن از شخصیت‌های علمی شهر اراک است که برخی از عالمان رجال و تراجم، آن دو را با یکدیگر خلط کرده‌اند. سیدحسن فرید هزاوه‌ای، یکی از فرهیختگان اراکی، در جلسه‌ای در سال ۱۳۴۹ش، پیش‌گویی آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی را در باره سرانجام شیخ فضل الله نوری و آیت الله شیخ عبدالکریم حائری نقل کرد و دکتر سیدحسن امین، که یکی از حاضران این جلسه بود، اولین بار در سال ۱۳۶۷ش، در «احوال و افکار ملاهادی سبزواری» گزارش سید حسن فرید هزاوه‌ای را نقل کرد (جامی، پاورقی، ۱۴). در دی ماه ۱۳۷۱ش، آقای منوچهر صدوقی سها نیز که در مجلس سیدحسن فرید هزاوه‌ای هنگام نقل پیش‌گویی آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی حضور داشت، مقاله‌ای با عنوان «رساله‌ای در ترجمت حال آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی» در شماره ۴۵ کیهان اندیشه منتشر کرد.^۱ او نیز در این مقاله، پیش‌گویی مذکور را نقل کرد. چهار سال پس از انتشار مقاله آقای صدوقی سها، در فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵ش، مقاله‌ای با عنوان «آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی»، از سوی سید حسن امین در شماره ۶۵ کیهان اندیشه منتشر گشت که در آن، مجدداً نویسنده، پیش‌گویی آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی را از زبان سیدحسن فرید هزاوه‌ای نقل کرد. شش سال پس از مقاله حسن امین، صدوقی سها در سال ۱۳۸۱ش در تاریخ حکما و عرفای متأخر، مجدداً به شرح حال آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی اقدام و پیش‌گویی مذکور را نقل کرد. آیت‌الله شبیری زنجانی در ۱۹ شوال ۱۴۳۱، پیش‌گویی آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی را به نقل از هم‌نام، سید حسن فرید، یعنی آیت‌الله سید حسن فرید محسنی اراکی^۲ بازگو کرد (شبیری زنجانی، ۴۹۳/۲-۴۹۶).

۱. این مقاله بدون نام نویسنده منتشر شد. سبک نگارش و باز نویسی آن در تاریخ حکماء و عرفای متأخر اثری از منوچهر صدوقی سها گویای این است که وی نویسنده مقاله مذکور است.

جایگاه مرجعیت در دانش‌های تراجم و رجال هستند، از این رو بیم آن می‌رود که عالمان رجال و تراجم‌نگاران نیز با توجه به مرجعیت آنان، دچار این خلط شوند. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، درصدد توضیح این خلط و روشن ساختن اصل موضوع است.

۱. پیامدهای تشابه اسمی و برخی از راه‌های تشخیص

یکی از آسیب‌های دانش تراجم و رجال، تشابه اسمی یا اشتراك لفظی است. گاه واژه یا اسمی مشترک، موجب تحلیل و داوری غلط می‌شود (حسن‌بگی، آسیب‌شناسی نقد و تحلیل تاریخ، ۱۳۳). در بسیاری از موارد، گردآورندگان شرح حال شخصیت‌ها، به چندمعنایی و دگردیسی واژه‌ها و تفاوت‌های جزئی میان چند شخصیت یا مکان بی اعتنا بوده‌اند و در نتیجه، ویژگی‌ها و شرح حال فرد، به فرد دیگری و رویدادی خاص در يك در مکان، به مکانی دیگر نسبت داده شده است.

۱. ۱. شوذب: یکی از یاران امام حسین علیه السلام، شوذب، دوست و رفیق عابس بن ابی شیبب شاکری است که درباره او چنین گفته‌اند: شوذب مولی شاکر (طبری، ۴۴۳/۵؛ مفید، ۱۰۵/۲؛ طوسی، ۱۰۲). برخی (ساعدی خراسانی، ۴۵۸؛ منتظرالقائم، ۳۰۰) گمان کرده‌اند که واژه مولی در عبارت مذکور به معنای «غلام» است. ولی همان‌گونه که یکی از عالمان حدیث و رجال تذکر داده است، شوذب هم پیمان قبیله شاکر و یکی از شخصیت‌های برجسته شیعی است (قمی، نفس المهموم، ۲۸۱؛ حسن‌بگی، آسیب‌شناسی نقد و تحلیل تاریخ، ۷۶-۷۹). توجه به دگردیسی معنایی برخی واژه‌ها سبب می‌گردد به صرف تبادل معنا برای کشف مقصود از واژه‌های چند معنایی بسنده نشود (حسن بگی، در آمدی بر فرآیند فهم حدیث، ۶۵-۶۷).

۱. ۲. مقبره الحسین: در شرح حال ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی نوشته‌اند: ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی معروف به امام الحرمین، یکی از بزرگ‌ترین فقیهان شافعی مذهب در خراسان بود. او متکلمی اشعری و استاد غزالی بود. خواجه نظام‌الملک، نظامیه نیشابور را برای وی ساخت. او در سال ۴۱۹ متولد و در سال ۴۷۸ از دنیا رفت و کنار پدرش در مقبره الحسین دفن شد (ابن خلکان، ۸۰/۲-۸۱). نویسنده ریحانة الادب در باره محل دفن ابوالمعالی جوینی گوید: «در دیه بشتقان در یک فرسخی نیشابور در گذشت. جنازه‌اش به نیشابور حمل و در خانه خودش دفن شد و به نوشته ابن خلکان، بعد از چند سال بیرونش کرده و به کربلای معلی نقل داده و در نزد پدرش دفن نمودند» (مدرس تبریزی، ۱۷۱/۱). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، ابوالمعالی جوینی از عالمان اهل سنت بوده و در میان آنان، انتقال جنازه‌ها به

عتبات مرسوم نبوده است، از سوی دیگر، ابن خلکان در باره محل دفن ابوالمعالی جوینی سخنی از کربلا نیاورده، بلکه نوشته است که او را در مقبره‌الحسین دفن کردند. مراجعه به شرح حال برخی از عالمان نیشابوری نشان می‌دهد که مقصود از مقبره‌الحسین، مقبره حسین بن معاذ، یکی از قبرستان‌های نیشابور است که تعدادی از عالمان در آنجا دفن شده‌اند (حسن‌بگی، رهزنی اشتراک لفظی، ۴۸۰-۴۸۱). آگاهی از باورهای مذاهب اسلامی، اطلاع از جایگاه مکان‌های مقدس و مراجعه مستقیم به منابع اصیل از رهزنی تشابه اسمی یا اشتراک، جلوگیری می‌کند.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۴۹

۳. ۱. شیخ عبدالله مازندرانی: برخی از نویسندگان برای اثبات ارتباط میان صوفیه نعمت‌اللهیه با انگلیسی‌ها، مدعی هستند که شیخ عبدالله مازندرانی (از مشایخ صوفیه نعمت‌اللهیه) یکی از حقوق‌بگیران انگلیس بوده است (مدرسی چهاردهی، ۲۹۳؛ واحدی، ۲۱۲؛ خسرو پناه، ۴۴۶). در حالی که شیخ عبدالله مازندرانی که حقوق‌بگیری او از انگلستان ادعا شده است، با شیخ عبدالله مازندرانی (از مشایخ صوفیه نعمت‌اللهیه) تفاوت دارد. توضیح آن که شیخ عبدالله مازندرانی صوفی در ۱۲۸۴ در کربلا دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۰۶ با حاج ملاسلطان محمد، قطب سلسله گنابادیه ملاقات کرد و مرید او شد. شیخ عبدالله مازندرانی سرانجام در ۱۳۵۶، در تهران چشم از جهان فرو بست. در صورتی که شیخ عبدالله مازندرانی که متهم به حقوق‌بگیری از انگلستان شده در ۱۲۵۶ در مازندران به دنیا آمد و پس از تحصیلات در مازندران، کربلا و نجف یکی از عالمان نامدار شیعه گشت. او در ۱۳۳۰ از دنیا رفت (حسن بیگی، گنابادیه، ۱۶۰-۱۶۲). اُنس با کتاب‌های تراجم، از اشتباه و نسبت ناصحیح به افراد ممانعت می‌کند.

۴. ۱. علی نقی کمره‌ای: وی از عالمان و فقیهان سده یازدهم هجری است. او در کمره فراهان به دنیا آمد. در عصر صفویه سمت قضاوت یافت و بعدها منصب شیخ الاسلامی نیز به او واگذار گردید. او این منصب را تا سال درگذشتش، در ۱۰۶۰ دارا بود. یکی از شاعران سده یازدهم، علی نقی کمره‌ای اهل کاشان و متوفای ۱۰۳۰ است (صفا، ۱۰۱۷/۵-۱۰۲۰). هم نامی شیخ الاسلام عزالدین علینقی کمره‌ئی فراهانی متوفای ۱۰۶۰ را که در فقه و کلام صاحب تألیفات چندی است، با شیخ علینقی شاعر (متوفای ۱۰۳۱ق)، سبب گردیده است که برخی (ابن یوسف شیرازی، ۶۴۱/۲)؛ این دو را یکی بدانند (گلچین معانی، ۵۵۷/۱). توجه به زیست تقویمی شخصیت‌ها، مانع اشتباه مذکور است.

۵. ۱. شیخ حسنعلی تهرانی: وی از عالمان و زاهدان سده چهاردهم هجری است. او در تهران متولد شد و برای ادامه تحصیل به سامرا رفت و در درس میرزای شیرازی شرکت کرد. جایگاه

علمی و معنوی او، سبب گردید استادش، میرزای شیرازی به او توجه ویژه‌ای داشته باشد. او بعدها به مشهد مهاجرت کرد و در سال ۱۳۲۵ از دنیا رفت (صدر، ۴۳۱/۲؛ آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ۴۵۴/۱۳؛ قمی، الکنی و الالقاب، ۲۲۳/۳). هم‌نام او، شیخ حسنعلی نخودکی (اصفهانی) نیز از عالمان سده چهارده هجری است. او بیشتر به سلوک عرفانی و کرامت مشهور است. شیخ حسنعلی نخودکی، در ۱۲۷۹، در اصفهان متولد شد. مقدمات علوم حوزوی را نزد پدر و عالمان آن دیار فرا گرفت. او زیر نظر حاج میرزا محمد صادق به سیر و سلوک عرفانی پرداخت. سپس راهی نجف شد و از محضر علمی و عرفانی سید محمد فشارکی، سید مرتضی کشمیری و ملا اسماعیل قره باغی بهره برد. او بعدها به مشهد مهاجرت کرد و در سال ۱۳۶۱، برابر با ۱۳۲۱ ش، در ۸۲ سالگی در مشهد دیده از جهان فرو بست (زنگنه، ۸۳/۱؛ مرسلوند، ۱۹۲/۱). هم‌نامی و شهرت هر دو به سلوک عرفانی، سبب گردید که برخی (مقدادی، ۹۰/۱-۹۱) میان این دو خلط کنند. برای مثال، شیخ ابراهیم صاحب الزمانی، اشعاری در مدح امام رضا علیه السلام سرود و حضرت او را مورد عنایت قرار داد. حاج شیخ حسنعلی تهرانی، صله امام رضا علیه السلام به شیخ ابراهیم صاحب الزمانی را با دادن ۱۲۰ تومان از او گرفت. به گفته آیت‌الله شبیری برخی از نویسندگان، این رویداد را به شیخ حسنعلی نخودکی نسبت داده‌اند (شبیری زنجانی، ۳۹۹/۲-۴۰۰). توجه به زیست‌نامه هر دو، و تکیه بر منابعی که از دقت بیشتری بر خوردارند؛ راهکاری مناسب برای ممانعت از اشتباه مذکور است.

۲. آیت‌الله سید حسن فرید و سید حسن فرید هزاوه‌ای

۲.۱. زیست‌نامه آیت‌الله حاج سید حسن فرید اراکی

آیت‌الله حاج آقا حسن فرید معروف به فرید محسنی فرزند آیت‌الله حاج آقا مصطفی، نوه حاج آقا محسن عراقی، از فقیهان معروف حوزه علمیه اراک و قم بود. او در شرح احوال خود گوید: «این جانب حسن فرید محسنی، فرزند مرحوم آیت‌الله حاج آقا مصطفی محسنی، در سال ۱۳۱۵ق،^۱ در اول طلوع آفتاب روز شنبه، سوم جمادی الثانیه در شهر نجف اشرف متولد شده، پدر و پدر بزرگ این جانب از بزرگان علمای عصر خود بوده‌اند. جدّ اعلای حقیر، مرحوم حاج سید احمد به اتفاق برادر خویش، مرحوم حاج سید محمد مدتی در کرمانشاه خدمت فاضل بزرگوار،

۱. برخی از تراجم نویسان، تولد ایشان را ۱۳۱۹ق دانسته‌اند (استادی، ۵۷). به نظر می‌رسد مؤلف مذکور زندگی‌نامه خود نوشت آن مرحوم را ملاحظه نکرده است.

مرحوم آقا محمد علی کرمانشاهی تلمذ کرده و بعداً به وطن خویش، قصبه کرهرود که در نزدیکی شهر سلطان آباد واقع است، مراجعت [کرده] و در آن جا به امر دینی مشغول بوده‌اند. مرحوم آیت الله حاج آقا محسن، جدم یکی از حکما و فقهاء نامی ایران در عصر خویش بوده و تولد او ۱۲۴۷ق و در سال ۱۳۲۵ق در گذشته و در شهر اراک مدفون گردید و مقبره او مشهور است. نوشته‌جاتی از او در فقه و اصول در دست است که قسمتی از آن‌ها در نزد حقیر می‌باشد. تلمذ او در بروجرد نزد علماء آن جا بوده است. مرحوم حاج سید شفیع در کتاب رجال خویش از ایشان به خوبی یاد کرده است. پدر بزرگوار این جانب، مرحوم حاج آقا مصطفی در ربیع الاول ۱۲۹۲ق در شهر اراک متولد و پس از تکمیل مقدمات و سطح در سال ۱۳۱۱ به عتبات عالیات مشرف [شد] و عمده تحصیل ایشان خدمت مرحوم آیت‌الله خراسانی بوده و مختصری هم درک محضر مرحوم آقا سید محمد فشارکی و مرحوم آقای آ میرزا محمد تقی شیرازی را نموده؛ در قسمت معقول هم از مرحوم آقا شیخ احمد شیرازی استفاده نموده. پس از سفر مختصری به اراک مجدداً به نجف اشرف و در سال ۱۳۲۴ در آنجا متوقف. جزء نامیان و درجه اول شاگردان مرحوم آیت‌الله خراسانی به شمار می‌آمده است. پس از مراجعت به افاده و تدریس مشغول و در ۲۷ رجب ۱۳۷۱ق به رحمت ایزدی واصل و جسد شریفش به نجف اشرف حمل و در وادی السلام در مقبره شخصی مدفون گردید. حقیر پس از تحصیل مقدمات و مقداری علوم ریاضی و طبیعی، به درک فیض محضر بعضی از دانشمندان اراک، از قبیل آخوند ملا محمد صابونی و مرحوم آ میرزا ابوالحسن کمره‌ای که از فضلاء تلامذ می‌باشند مرحوم آخوند خراسانی بوده است و مرحوم آخوند ملا محمد تقی گلپایگانی مفتخر بوده و پس از آن، از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم که در آن زمان در اراک بودند، استفاده نموده و تا مدتی که در اراک تشریف داشتند، فقها و اصولیان در محضر ایشان حاضر بوده و پس از مهاجرت آن مرحوم به قم، حقیر هم به قم مشرف شده و تا اوایل ۱۳۵۱ از بحث ایشان استفاده می‌نمودم و در مدت توقف در قم هم مدتی به درک فیض درس مرحوم آ میرزا علی‌اکبر که از حکمای بزرگ بودند؛ نایل گشتم و پس از مراجعت به اراک، موفق به تشکیل حوزه شده که فعلاً بحمد الله تعالی دارای فضلالی است که موجب افتخار این شهر است. نوشته‌جات متفرقه در فقه و اصول و هیئت دارم که خداوند متعال توفیق تنظیم و طبع و نشر دهد؛ ان شاء الله» (شریف رازی، آثار الحجه، ۲/۲۰۷-۲۰۸). آیت‌الله حاج آقا حسن فرید، پس از مهاجرت آیت‌الله حائری یزدی به قم، تا سال ۱۳۵۱ق مدت ۱۱ سال از محضر علمی وی استفاده و سپس به اراک مراجعت کرد و تا سال ۱۳۷۵ق، به مدت ۲۵ سال به تدریس

خارج فقه و اصول پرداخت. او در سال ۱۳۷۵ق، به قم بازگشت و ۱۵ سال در آنجا به تدریس پرداخت. آیت الله حاج آقا حسن فرید در فقه و اصول بسیار مهارت داشت. او در حوزه علمیه قم به دانش و قداست و پاکی معروف بود. برخی از شاگردان فاضل او عبارتند از: سید محسن خرازی، رضا استادی، علی اصغر اشعری قمی، سید علی میریحیی اراکی، حسین بادکوبه‌ای اراکی و میرزا علی هاشمی سنجان‌ی. آیت الله سید حسن فرید محسنی، فقیه و مدرسی کوشا بود. آیت الله العظمی اراکی از او به عنوان مدرس و عالم یاد می‌کرد. آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری، فرزند آیت الله شیخ عبد الکریم حائری، از آیت الله حاج آقا حسن فرید، به عنوان سید صالح فاضل و فردی نورانی یاد کرده است. هم چنین آیت الله شبیری زنجانی: حاج آقا حسن فرید اراکی در تلاش علمی خیلی مجتهد بود. آیت الله استادی، از شاگردان آیت الله حاج آقا حسن فرید گوید: «هم مباحثه آن مرحوم، آیت الله حاج سید محمد رضا گلپایگانی بود. کسانی که با حوزه درس و مجالس بحثی ایشان آشنایی داشتند، به خوبی می‌دانند که در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ق، یکی از پر استفاده‌ترین درس‌های خارج حوزه علمیه قم، درس ایشان بود. آن بزرگوار به بحث‌های علمی عشق ورزیده و کمتر دیده می‌شد که در مجلسی باشد و به بحث علمی مشغول نباشد و همچنین اهل علم و محصلین علوم دینی و به خصوص کسانی را که تشخیص می‌داد که استعداد ترقی علمی دارند، خیلی تشویق می‌کرد و در مواقع مناسب آنان را به جدیت در راه تحصیل سفارش می‌نمود. آن مرحوم علاوه بر فقه و اصول، درس اخلاق هم داشت و بسیاری از فضلا، از جلسات اخلاق او نیز مستفیض می‌شدند. از ایشان فقط یادداشت‌های متفرقه‌ای در دست بود که به نام تفسیر سوره حمد توسط این جانب که از شاگردان ایشان محسوب می‌شدم، تنظیم و چاپ شده است. آن مرحوم کتابخانه‌ای نفیس شامل نسخه‌های چاپی و خطی داشت که طبق وصیت ایشان نسخه‌های چاپی که بالغ به ۲۵۰۰ جلد بود به کتابخانه مسجد اعظم قم و نسخه‌های خطی به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا شد». آیت الله حاج آقا حسن فرید در سال ۱۳۹۱، در سن ۷۲ سالگی در اثر ابتلا به سرطان در تهران در گذشت و جنازه‌اش به نجف اشرف حمل و در قبرستان وادی السلام در مقبره خانوادگی به خاک سپرده شد (شریف رازی، آثار الحججه، ۲۱۶/۲ - ۲۱۷؛ همو، گنجینه دانشمندان، ۵۳/۳؛ خاکباز، ۲۰۸؛ شبیری زنجانی، ۵۳۳/۳؛ استادی، ۵۷-۵۸؛ جواهر کلام، ۱۰۲۵/۲، ۱۰۲۸؛ کره‌رودی و میریحیی، ۶۵).

۲. زیست نامه سید حسن فرید هزاوه‌ای اراکی

سیدحسن فرید هزاوه‌ای اراکی در سال ۱۲۷۵ ش (۱۳۱۳) در هزاوه اراک به دنیا آمد. از هفت تا چهارده سالگی، در مدارس قدیم به آموختن ادبیات فارسی و عربی و سایر مقدمات پرداخت. در سال ۱۲۹۰ ش، وارد مدرسه متوسطه صمصامیه شد و به تحصیل ادامه داد. پس از گذراندن امتحان و قبولی، به معلمی در مدرسه صمصامیه و مدرسه سهامیه مشغول شد. او دارای هوشی فوق‌العاده و حافظه‌ای بسیار قوی بود و علاقه‌ای فراوان به تحصیل داشت. لذا بعد از تدریس در مدارس اراک، نزد استادان آن زمان به تکمیل تحصیلات پرداخت و در بعضی از سال‌ها، در تعطیلات سه ماهه تابستانی مدارس، به تهران سفر و از محضر استادان مختلف استفاده می‌کرد و در نتیجه توفیق یافت در ریاضیات عالی تبخّر یابد و در حکمت الاهی اطلاعات وسیعی را کسب کند. وی در هنر خط نیز از جمله خوشنویسان اراک بود.

سیدحسن فرید هزاوه‌ای اراکی، در فقه و اصول شاگرد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد‌الکریم حائری بود. در معقول، محضر شیخ علی نخستین سنجانی (متوفای ۱۳۲۱ ش) را درک کرد که او نیز از شاگردان میرزا جهانگیر خان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشانی بود. طب قدیم را از حاج یوسف طبیب یهودی آموخت و خوشنویسی را از شمس‌الشعرا گوازی فراگرفت. ریاضیات را که تخصص او بود از محضر میرزا حبیب‌الله ذوالفنون فراگرفت. او پس از فراغت از تحصیل، هم‌چنان به مصاحبت با دانشیان آن روزگار، از قبیل سرتیپ عبدالرزاق خان مهندس بغیری و میرزا حبیب‌الله ذوالفنون ادامه داد. در سلوک عرفانی، محضر شیخ حسنعلی نخودکی، سیدعلی ظهیرالاسلام و سیدعلی قلندر متخلص و مشتهر به «کفری» را درک کرد. مرتضی واعظ زاده از شاگردان او، روش تدریس استاد خویش را چنین وصف کرده است: هنگام تدریس بسیار زیبا و خوش‌آهنگ سخن می‌گفت. توانایی او در آموختن دروس دشوار ریاضی و اداره کلاس، بی‌نظیر و شگفت‌آور بود. از لحظه‌ای که قدم به کلاس می‌گذاشت تا پایان مدت، لحظه‌ای را هدر نمی‌داد و پس از بیان درس جدید، تقریباً از همه شاگردان متون و تمرینات مسایل دروس گذشته را می‌پرسید. بی‌استعدادترین و کودن‌ترین محصلان، از قبیل راقم این سطور هم، کلاس درس او را دوست می‌داشتند، و از آن بهره می‌بردند (واعظ‌زاده، ۹۶). سید حسن فرید، یکی از فرهنگبانان اراک و از بنیانگذاران فرهنگ جدید این شهر است. تهیه و تنظیم سالنامه معارف عراق به او واگذار شد و او نیز به‌رغم نواقصی که آن زمان در کار چاپ بود، به خوبی از عهده برآمد و آن اثر ماندگار را پدید آورد. سیدحسن فرید هزاوه‌ای اراکی چند سال در اداره اوقاف، عنوان محقق شعبه چهارم را

داشت و سرانجام در سال ۱۳۳۷ش، بازنشسته شد. او از نظر فلسفی عقاید ویژه‌ای داشت. سید حسن فرید هزاه‌ای دنیا را چون مسافرخانه‌ای می‌دانست و بر همین مبنا، وی تا آخر عمر خود همسری اختیار نکرد، تا اینکه در روز پنجشنبه، ۲۱ رمضان ۱۳۹۸، مطابق با ۴ شهریور ۱۳۵۷ش، در ۸۲ سالگی در تهران دار دنیا را وداع گفت و در بهشت معصومه قم دفن گردید (آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ۱۲، ۱۲۳/؛ صدوقی سها، تحریر ثانی تاریخ حکما و عرفای متأخر، ۲۵۳؛ همو، فرید هزاه‌ای، ۲۴۳؛ جواهرکلام، ۱/۵۶۲-۵۶۳؛ ولاشجردی فراهانی، ۱۷۵).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۵۴

۳. خلط میان سید حسن فرید هزاه‌ای با آیت الله سید حسن فرید محسنی اراکی

برخی میان سید حسن فرید هزاه‌ای با آیت الله سید حسن فرید محسنی درباره پیشگویی آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی خلط کرده‌اند. بر این اساس، یکی از عالمان رجال و تراجم گوید: «داستان پیشگویی آخوند ملا فتحعلی در کتاب شرح زندگانی حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری (حسینی یزدی، ۲۰-۲۲)، به طریق دیگر و اختلاف متن، نقل شده است: «عارف مرتاض، آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی، استاد مرحوم حاج میرزا حسین نوری (متوفای ۱۳۲۰ق) صاحب مستدرک الوسائل، از جمله اوتاد و ابدال سده اخیر و متعلق به علمای عارف مسلک، معروف به «اخلاقیون» بوده است. فاضل بارع، آیت الله حاج آقا حسن فرید اراکی که در ریاضی و نجوم و هیئت و معقول و منقول دستی توانا دارد؛ در روز جمعه سوم مهرماه ۱۳۴۹ش، در منزل مسکونی خود واقع در تهران خیابان شهباز، کرامتی از آن بزرگوار از قول مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، (متوفای ۱۳۱۵ش برابر با ۱۳۵۵ق) مؤسس حوزه علمیه قم نقل کرد که از جهت اشتغال بر افادات عالی‌ه عرفانی و تاریخی عیناً در این دفترچه ثبت می‌شود. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی فرمودند: در حجره یکی از مدارس عتبات عالیات، در خدمت میرزای کوچک، میرزا محمدتقی شیرازی، شاگرد میرزا حسن شیرازی، معروف به میرزای بزرگ نشسته بودیم. مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری شهید هم با چند تن دیگر افتخار حضور داشتند. ناگاه مردی ژولیده از راه رسید که به جای عمامه، دستمال مانند‌ی بر سر پیچیده بود و قبای کهنه و عبای وصله خورده‌ای بر سر و دوش داشت و هم پارچه‌ای به جای شال گردن بر گردن آویخته بود و کفشی که از پارگی قیامتی بود و تخت نداشت. با رسیدن این مرد تازه وارد، میرزا از جای جست و به تازه وارد، آن چنان احترامی خاص گذاشت و تواضع کرد! آن مرد نشست و با اشاره به حاج شیخ فضل الله نوری، از میرزا پرسید: آقا کیست؟ مرحوم میرزای کوچک فرمود: ایشان آقای حاج

شیخ فضل‌الله نوری، از علما هستند. تازه وارد خطاب به شیخ فضل‌الله نوری گفت: حاج فضل‌الله نوری نامی را در تهران بر دار می‌زنند؛ نکند تو باشی! آن مرد اشاره به من کرد و از میرزا پرسید: این کیست؟ فرمود: ایشان آقا شیخ عبدالکریم یزدی هستند. مادرش در اندرون میرزای شیرازی به کارهای خانه کمک می‌کند و خودش نیز شروع به درس خواندن کرده و اکنون طلبه فاضلی است؛ آدم خوبی هم هست. تازه وارد از من مسئله‌ای پرسید. من از فرط سادگی به سوال جوابی ندادم؛ زیرا با خود گمان می‌کردم که این شخص فالگیر است و حالا می‌خواهد با این پرسش علمیت مرا هم آزمایش کند. نگاهی به او کردم، نگه کردن عاقل اندر سفیه و لب فروبستم؛ اما میرزا به خشم در من نگریست و بلافاصله در پاسخ پرسش آن مرد عجیب و غریب فرمود: «علما چنین می‌گویند» و جواب مسئله را داد. آن مرد گفت: نه این طور نیست. او شروع به صحبت کرد. میرزا تقریر او را نوشت و بعد نوشته خود را به او نشان داد و پرسید: این طور فرمودید؟ مرد نگریست و گفت: آری. آن گاه آن مرد ناشناخته دوباره رو به من کرد و خطاب به من گفت: بیرق ریاست تشیع را در قم بر دوش حاج شیخ عبدالکریم یزدی نامی می‌گذارند، نکند تو باشی! اهل مجلس همه به گونه‌ای ابهام‌آمیز در من نگریستند. پس آن مرد ژولیده از جای برخاست و عازم رفتن شد. میرزا متواضعانه کفش‌های آن چنانی این مرد ناشناخته را جفت کرد. او را تمام و کمال بدرقه کرد و برگشت. آن گاه با من بسیار تغییر کرد و از سوء ادب من بسیار برآشفته شده بود. آن وقت من پرسیدم: مگر ایشان که بودند؟ میرزا فرمودند: آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی. آقای فرید اراکی فرمودند: سخن مرحوم حاج شیخ عبد‌الکریم که به اینجا رسید، آقا میرزا مهدی بروجردی، ابوالزوجه آیت‌الله گلپایگانی گفت: آقا! تا قم ۲۴ فرسنگ راه است. اراک تا قم ۲۱ فرسنگ بیش نیست؛ شما سه فرسنگ آن سوتر از اراک هم که باشید، هنوز در محدوده قم هستید. و بحمدالله بیرق اسلام را به دوش می‌کشید. پس، همین طور است؛ شما پرچمدار تشیع شده‌اید و پیش بینی آخوند ملا فتحعلی درست از کار در آمده است. حاج شیخ برآشفت و به او گفت: نادان! به این حرف‌ها که امر بر من مشتبه نمی‌شود. من الآن در اراک ملای درجه دوم هستم؛ چطور پرچمدار برای تمام شیعه می‌توانم باشم؟! فرید اراکی فرمود: چندی بر نیامد که میرزای شیرازی در عتبات عالیات بدرود حیات گفت و رسم میرزا آن بود که به اهالی هر ولایت که به زیارت او می‌رفتند، در حق عالم آن ولایت تکریم و تجلیل می‌کردند. قبل از مرگ او، جماعتی از زائران اراکی به عتبات عالیات، به خدمت او رسیده بودند و میرزا فرموده بودند: در احتیاطات، به فتوای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی که مجتهد شهر خودتان است، عمل کنید. چون این

زوّار از عراق به مرز ایران رسیدند، خبر وفات میرزا نیز رسید. این زوّار گفتند: ما به دو گوش خود از میرزا شنیدیم که در احتیاطات به فتوای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی عمل باید کرد. لذا به شهادت این شهود، حاج شیخ در مظنه مرجعیت تامه قرار گرفت و طلاب و فضلا از اطراف برای استفاده از محضر او به اراک آمدند تا آن که آن مرحوم در سنه ۱۳۴۰ هجری قمری از اراک به قم هجرت فرمودند و حوزه علمیه این شهر را تجدید کردند. انتهای کلام فرید» (شبیری زنجانی، ۴۹۳/۲-۴۹۶).

منبع اصلی آیت الله شبیری در پیشگویی آخوند ملا فتح علی سلطان‌آبادی، که در کتاب شرح زندگانی حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری (حسینی یزدی، ۲۰-۲۲) نقل شده و آیت الله شبیری نیز از آن نقل کرده است، مقاله حسن امین است. نویسنده شرح زندگانی حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری، بخشی از مقاله مذکور را حذف و بخشی را ذکر کرده است. نویسنده در این بخش، طبق سلیقه خویش تغییرات و تصرفاتی انجام داده است که بر محتوا چندان تأثیری ندارد. در هر صورت، سیدحسن فرید هزاوه‌ای اراکی، ناقل و گزارشگر پیشگویی آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی است و آیت الله سیدحسن فرید محسنی اراکی در گزارش مذکور ستمی ندارد؛ ولی نویسنده شرح زندگانی حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری (حسینی یزدی، ۲۰-۲۲) «گزارش مذکور را به آیت الله سید حسن فرید اراکی (محسنی) نسبت داده و آیت الله شبیری نیز به آن اعتماد کرده است. به نظر می‌رسد معاصرت، هم نامی، هم لقبی، هم شهری، و هم سیادت می‌ان میان سید حسن فرید هزاوه‌ای اراکی با آیت الله سید حسن فرید محسنی اراکی سبب خلط گشته است. از سوی دیگر شهرت آیت الله سید حسن فرید محسنی اراکی در میان عالمان حوزوی، سبب خلط و انصراف ذهنی آنان به غیر ناقل اصلی (آیت الله سید حسن فرید محسنی اراکی) گزارش پیشگویی آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی، شده است. مراجعه به منبع اصلی گزارش پیش گویی مذکور، یعنی مقاله حسن امین و منوچهر صدوقی‌سها و اعتماد نکردن به منابع و مآخذ بعدی، مانع خلط مذکور است.

نتیجه

در این پژوهش، مشخص گردید دانش تراجم نگاری، دچار آسیب‌های دانش رجال و تاریخ می‌شود. یکی از آسیب‌ها، تشابه اسمی یا اشتراک لفظی است. تشابه اسمی سبب تحلیل ناصحیح مدح و ذم بی‌پایه نسبت به افراد می‌شود. این آسیب سبب قلب حقایق تاریخی نیز می‌گردد. در این

تحقیق، به یکی از مصادیق تشابه اسمی که سبب گردیده است برخی از تراجم‌نگاران، گزارش پیشگویی آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی از سوی سید حسن فرید هزاوه‌ای اراکی را به آیت الله سیدحسن فرید محسنی اراکی نسبت دهند، اشاره شد. با مراجعه به منابع اصلی گزارش پیشگویی مذکور، یعنی مقاله سیدحسن امین و منوچهر صدوقی سها و زیست‌نامه سیدحسن فرید هزاوه‌ای اراکی و آیت الله سیدحسن فرید محسنی اراکی، مشخص گردید هم نامی این دو تن و شهرت آیت الله سیدحسن فرید محسنی اراکی در میان عالمان حوزوی و انصراف ذهنی آنان، سبب گردیده که گزارش پیشگویی به آیت الله سید حسن فرید محسنی اراکی نسبت داده شود. همچنین به برخی از راه‌های برون رفت از رهنزی تشابه اسمی از قبیل اکتفا نکردن به صرف تبادر معنا برای کشف مقصود از واژگان، آگاهی از جایگاه مکان‌های مقدس، مراجعه مستقیم به منابع اصیل، انس با کتاب‌های تراجم، توجه به زیست تقویمی شخصیت‌ها، تکیه بر منابع دقیق‌تر، آگاهی از باورهای مذاهب اسلامی و توجه به شهرت و انصراف ذهنی به شخصیت‌های مشهور، اشاره گردید.

منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۳ق.
- _____، محمدمحسن، طبقات أعلام الشيعة، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۳۰ق.
- ابن خلّکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان، بیروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۱۷ق.
- ابن یوسف شیرازی، حدائق بن یوسف، فهرست کتابخانه عالی سپهسالار، تهران، دانشکده معقول و منقول، ۱۳۱۵.
- استادی، رضا، شرح احوال حضرت آیت‌الله العظمی اراکی، اراک، انجمن علمی فرهنگی و هنری استان مرکزی، ۱۳۷۵.
- امین، حسن، «ملا فتحعلی سلطان آبادی»، کیهان اندیشه، ش ۶۵، سال ۱۳۷۵.
- جامی، عبدالرحمان، شواهد النبوة، به کوشش پروفیسور سیدحسن امین، تهران، میرکسری، ۱۳۷۹.
- جواهر کلام، عبدالحسین، تربت پاکان قم، قم، انصاریان، ۱۴۲۴ق.
- حائری، مرتضی، سرّ دلبران، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۷.
- حسن بگی، علی، «رهنزی اشتراک لفظی»، دو فصلنامه کتاب شیعه، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۴۸۰-۴۸۱، قم، مؤسسه کتاب شناسی شیعه، بهار و تابستان، ۱۳۹۷.
- _____، در آمدی بر فرایند فهم حدیث، اراک، دانشگاه اراک، ۱۳۹۷.
- _____، آسیب‌شناسی نقد و تحلیل تاریخ، اراک، دانشگاه اراک، ۱۳۹۶.

رهزنی تشابه اسمی در رجال و تراجم نویسی شیعه، مطالعه موردی: حسن فرید

- _____، گنابادیه، قم، سبط النبی، ۱۳۸۵.
- حسن بگی، علی و عبدالله متولی، «نگاهی آسیب شناختی به تراجم نویسی اسلامی، بررسی موردی دو انگاری یک شخصیت»، پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی، پاییز و زمستان، ۱۳۹۹.
- حسینی یزدی، صادق، شرح زندگانی حضرت آیت الله مؤسس و فرزند برومندشان آیت الله شیخ مرتضی حائری، بی جا، انتشارات الماس، ۱۳۸۱.
- خاکباز، علی اکبر، خاندان محسنی، تهران، مؤلف، ۱۳۷۱.
- خسروپناه، عبدالحسین، جریان شناسی ضد فرهنگ‌ها، تهران، تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۹.
- «رساله در ترجمت حال آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی»، کیهان اندیشه، قم، ش ۴۵، سال ۱۳۷۱.
- زنگنه، ابراهیم، مشاهیر مدفون در حرم رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶.
- شبیری زنجانی، موسی، جرعه‌ای از دریا (جلد دوم)، قم، مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۰ جلد دوم، جلد سوم ۱۳۹۳.
- شریف رازی، محمد، آثار الحججه، قم، مؤسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، بی تا.
- _____، گنجینه دانشمندان، تهران، کتابفروشی اسلامی، بی تا.
- صدر، حسن، تکملة أمل الآمل، بیروت، دار المؤرخ العربی، بی تا.
- صادقی، مصطفی، «دشواری نام‌ها در پژوهش‌های تاریخی»، مجله پژوهش و حوزه، قم، بهار و تابستان، شماره ۱۳ و ۱۴، ۱۳۸۲.
- صدوقی سها، منوچهر، «فرید هزاه‌ای»، مجله وحید، شماره ۲۴۳، تهران، آبان ۱۳۵۷.
- _____، تحریر ثانی تاریخ حکما و عرفای متأخر، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۱.
- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۹۲.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت، دار التراث، بی تا.
- قمی، شیخ عباس، الکنی واللقاب، تهران، مکتبه الصدر، ۱۳۶۸.
- _____، نفس المهموم، ترجمه ابوالحسن شعرانی، تهران، آدینه سیز، ۱۳۹۱.
- گلچین معانی، احمد، تاریخ تذکره‌های فارسی، کتابخانه سنایی، تهران، ۱۳۶۳.
- مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، تهران، کتاب فروشی خیام، ۱۳۶۹.
- مدرس چهاردهی، نورالدین، سلسله‌های صوفیه ایران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- مرسلوند، حسن، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، تهران، الهام، ۱۳۷۶.
- مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
- مقدادی علی، نشان از بی نشان‌ها، تهران، انتشارات جمهوری (اسدی)، ۱۳۸۱.
- منتظرالقائم، اصغر، نقش قبائل یمنی در حمایت از اهل بیت علیهم‌السلام، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

- میریحیی کرهرودی، رحمت‌الله، علامت‌های ظهور با مقدمه‌ای در حالات و انساب سادات کرهرود و تعلیقه‌ای بر مقدمه از مرحوم آیت‌الله آقا علی میریحیی، مقدمه و تحقیق: مهدی شریعتی، قم، مؤسسه فرهنگی سماء، ۱۳۸۳.

- واحدی، تقی، از کوی صوفیان تا حضور عارفان، بی‌جا، مؤلف، ۱۳۷۷.

- واعظزاده، مرتضی، حسین واعظزاده و پیش آمدهای خوانسار و اراک، اراک، مؤلف، ۱۳۷۴.

- ولاشجردی فراهانی، غلامعلی، نام‌های ماندگار، اراک، پیام دیگر، ۱۳۸۲.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

رهزنی تشابه اسمی در رجال و تراجم نویسی شیعه، مطالعه موردی: حسن فرید

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۶۰